

بسم الله الرحمن الرحيم

جلسه سی و سوم 99/09/17

موضوع: اجتهاد و تقلید - ولایت مطلقه رسول اکرم و ائمه اطهار صلوات الله عليهم

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين و هو خير ناصر و معين الحمد لله والصلاة على محمد رسول الله وعلى آله آل الله لاسيما على مولانا بقیة الله واللعن الدائم على اعدائهم اعداء الله إلى يوم لقاء الله.

در رابطه با سوال یکی از عزیزان درباره با فرمایش استادمان، مرحوم آیت الله شاه آبادی، من این مطلب (دو وجود نورانی و ناسوتی برای نبی اکرم و تردد جبرائیل بین این دو وجود مقدس نبی اکرم، برای تحویل کلام وحی) را از ایشان شنیدم و این اگر روایت هم نباشد، مسئله عقلی است. ما نمی‌توانیم قبول کنیم که رسول اکرم (صلی الله علیه واله وسلم) مقامشان از جبرئیل پایین‌تر است، یا جبرئیل می‌تواند قریش از ایشان به خدا بیشتر باشد.

روایات متعددی داریم که واسطه فیض میان خالق و مخلوق رسول اکرم و ائمه (علیهم السلام) هستند. بهترین فیض هم عبارت است از وحی و قرآن. اگر بنا باشد رسول اکرم واسطه فیض باشند، معنا ندارد که جبرئیل بتواند از رسول اکرم اقرب من الله باشد.

در جامعه کبیره هم می‌خوانیم:

«اللَّهُمَّ إِنِّي لَوْ وَجَدْتُ شُفَعَاءَ أَقْرَبَ إِلَيْكَ مِنْ مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ الْأَخْيَارِ- الْأَيِّمَةِ الْأَبْرَارِ لَجَعَلْتُهُمْ شُفَعَائِي»

اگر از محمد و آل محمد نزدیک‌تر ما شفيعی پیدا می‌کردیم، او را شفيع قرار می‌دادیم!

من لا يحضره الفقيه؛ نویسنده: ابن بابویه، محمد بن علی، ناشر: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به

جامعه مدرسین حوزه علمیه قم مصحح: غفاری، علی اکبر، ج2، ص617

«قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِسَلْمَةَ بْنِ كَهَيْلٍ وَ الْحَكَمِ بْنِ عُتَيْبَةَ: (شَرِّقًا وَ غَرْبًا، فَلَا تَجِدَانِ عِلْمًا صَحِيحًا إِلَّا شَيْئًا خَرَجَ مِنْ عِنْدِنَا أَهْلَ الْبَيْتِ)»

الكافي (ط - الإسلامية)، نویسنده: کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، محقق/ مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، ناشر: دار الکتب الاسلامیة، ج2، ص328، 101- بابُ أَنَّهُ لَيْسَ شَيْءٌ مِنَ الْحَقِّ فِي يَدِ النَّاسِ إِلَّا مَا خَرَجَ مِنْ عِنْدِ الْأَئِمَّةِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَ أَنَّ كُلَّ شَيْءٍ لَمْ يَخْرُجْ مِنْ عِنْدِهِمْ فَهُوَ بَاطِلٌ

تمام این علوم از جمله همین کلّ شیء است.

(اللَّهُ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ وَكِيلٌ)

خداوند آفریدگار همه چیز است و حافظ و ناظر بر همه اشیاء است.

سوره زمر (39): آیه 62

خدای عالم خالق هر شیء است، حتی آن چیزی که از ذهن ما می‌گذرد خالق آن هم خداست و واسطه هم اهل بیت (علیهم السلام) هستند. و ائمه (علیهم السلام) عالم بما کان، بما یکون و بما کائن هستند.

روایات متعدد ما داریم که ائمه (علیهم السلام) می‌فرمایند "ما آنچه در آسمان‌ها است و در زمین است و در بهشت و جهنم است همه را می‌دانیم."

وقتی که اینطور باشد یعنی تمام علوم حتی علوم طبیعی، علوم انسانی و دیگر مسائل، همه جزء فیوضات الهی است و واسطه فیض هم این بزرگواران هستند.

(عَلَّمَهُ شَدِيدُ الْقُوَى)

آن کس که قدرت عظیمی دارد او را تعلیم داده است.

سوره نجم (53): آیه 5

جبرئیل آنچه از رسول اکرم در عالم نور می‌گیرد، عالم ناسوت به این جسم مبارکش تعلیم می‌دهد. (عَلَّمَهُ

شَدِيدُ الْقُوَى) به عنوان درس و امثال اینها نیست؛ یعنی «بلغه شدید القوی»!

واسطه اصلی فیض، نبی مکرم و ائمه (علیهم السلام) در عالم ملکوتی و در عالم جبروتی هستند، که از آن تعبیر به عالم لاهوتی می‌کنند. هفت عالم برای این جهان معتقد هستند.

هفت شهر عشق را عطار گشت؛ اشاره به این هفت عالم است. عالم ناسوت، برزخ، مثال، ملکوت،

جبروت، لاهوت و هاهوت. اینها هفت عالم برای جهان قائل هستند. هر آنچه بخواهد نازل

شود به عالم ناسوت، باید از این عوالم بگذرد.

عرض کردم اینها بحث‌هایی است که دوستان اگر کتاب «مصباح الهدایة» امام را بخوانند بسیار واضح و روشن بیان شده است.

به نظرم یکی از واجبات برای دوستان، مطالعه کتاب «لب اللباب» است که در حقیقت درس عرفان خصوصی مرحوم «علامه طباطبایی» برای شاگردان ویژه‌شان بوده، اگر این کتاب را هم عزیزان مطالعه کنند با پاورقی‌های «علامه حسینی تهرانی» بسیار عالی می‌شود.

هر دفعه که بخوانند یک نورانیتی در روح‌شان، در عبادات‌شان و در اعتقادات‌شان ایجاد می‌شود.

اما کتاب «کفایة الاثر»

خدا روح مرحوم «خزاز» را بیامرزد. الحق والانصاف کتاب ایشان یک کتاب خیلی زیبا و عالی است، بنده مثل کتاب «کفایة الاثر» را ندیدم.

اولا در رابطه با خود مؤلف، «نجاشی» می‌گوید:

«علي بن محمد بن علي الخزاز ثقة من أصحابنا، أبو القاسم، و كان فقيها وجهها له كتاب الإيضاح في

أصول الدين على مذهب أهل البيت عليهم السلام.»

رجال النجاشي؛ نویسنده: نجاشي، احمد بن علي، محقق/ مصحح: ندارد، ناشر: مؤسسة النشر الاسلامي التابعه لجامعه المدرسين، ص 268

مرحوم «علامه مجلسی» در «بحار» جلد 1، صفحه 29 می‌گوید:

«كتاب الكفاية كتاب شريف لم يؤلف مثله في الإمامة و هذا الكتاب و مؤلفه مذكوران في إجازة العلامة و غيرها و تأليفه أدل دليل على فضله و ثقته و ديانته و وثقه العلامة في الخلاصة قال كان ثقة من أصحابنا فقيها وجهها»

بحار الأنوارالجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار (ط - بيروت)؛ نویسنده: مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، ناشر: دار إحياء التراث العربي، محقق/ مصحح: جمعی از محققان، ج 1، ص 29

این کتاب الحق و الإنصاف کتاب خیلی با ارزشی است. معتقد هستم کسی بخواهد در رابطه با جایگاه ائمه (علیهم السلام) اطلاعات کافی داشته باشد، از این کتاب استفاده کند. من بهتر از این کتاب ندیدم. هر آنچه که دیگران آوردند در باب ائمه ، در کافی ، در «بصائر الدرجات» و ... ، همه را مرحوم «خزاز» در کتاب‌شان آورده‌اند.

پرسش:

آیا درست است که انسان اگر به چیزی اعتقاد داشته باشد، اثرگذار خواهد بود حتی اعتقاد به امور خرافی یا درخواست حاجت از درخت؟

پاسخ:

این‌که اثرگذار خواهد بود، اولاً در «لبُّ لباب» یک تعبیری دارد در پاورقی یا در «شرح سیر و سلوک سید بحر العلوم» با پاورقی آیت‌الله العظمی «مرعشی نجفی» است، که خدای عالم رحمت و واسع‌عاش به حدی است که یک مرتاض هندی که معتقد به خدا هم نیست، وقتی ریاضت می‌کشد یک دره‌ایی به رویش باز می‌کند.

(وَأَنْ لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى)

و اینکه برای انسان بهره‌ای جز سعی و کوشش او نیست!

سوره نجم (53): آیه 39

یا در توسلات غیر صحیح ، هنگامیکه یک حالت اضطراری برای عبد پیش می‌آید، خدای عالم به خاطر آن اضطرارش، نظر لطف به او می‌کند نه به خاطر توسلش به درخت و امثال اینها.

آغاز بحث...

آقای «خوئی» در رابطه با ولایت تکوینی می‌فرماید که شبهه ای در ولایت آنها بر جمیع مخلوقات نیست.

«لا شبهة في ولايتهم على المخلوق بأجمعهم لكونهم واسطة في الایجاد وبهم الوجود»

آنها واسطه در ایجاد هستند.

تا آنجایی که:

بل لهم الولاية التكوينية لما دون الخالق.»

آنها ولایت تکوینی بر مادون خالق دارند.

مصباح الفقاهة؛ نویسنده: السيد الخوئی (وفات : 1413)، تحقیق: جواد القیومی الأصفهانی

چاپخانه: العلمية - قم، ناشر: مكتبة الداوري - قم، ج 3، ص 279

ما در توسلات مان به ائمه (علیهم السلام) با این عقیده و نیت که آنها

اولاً «اقرب الناس الى الله» هستند:

«اللَّهُمَّ إِنِّي لَوْ وَجَدْتُ شَفَعَاءَ أَقْرَبَ إِلَيْكَ مِنْ مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ الْأَخْيَارِ- الْأَيِّمَّةِ الْأَبْرَارِ لَجَعَلْتُهُمْ

شَفَعَائِي»

من لا يحضره الفقيه؛ نویسنده: ابن بابویه، محمد بن علی، ناشر: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به
جامعه مدرسین حوزه علمیه قم مصحح: غفاری، علی اکبر، ج2، ص617

و ثانيا «اول ما خلق الله» هستند:

«اول ما خلق الله نوري»

تفسیر القمی؛ قمی، علی بن ابراهیم، محقق/ مصحح: موسوی جزائری، طیب، ناشر: دار الکتب،
ج1، ص17

«إن الله خلق الاشياء بالمشية دون مشية اخرى ونحن مشية الله»

مجمع النورین، نویسنده: الشیخ أبو الحسن المرندی، ص 215، فصل فی بیانان ثواب اللعن

آنها در تمام مسائل ایجاد، واسطه فیض الهی هستند، از عالم ملکوت تا عالم ناسوت. ما اگر متوسل به
ائمه می‌شویم با این عقیده است که آنها ولایت بر همه «ما خلق الله» دارند، در ضمن اینکه در برابر الله و
عز ربوبیت او جلّ جلاله، ذلّ عبودیت را به تمام معنا دارا هستند.

عزیزان خوب دقت کنند ذلت عبودیت در برابر عزت ربوبیت، مایه افتخار اهل بیت (علیهم السلام) است.
می‌گوییم «اشهد انّ محمداً عبده ورسوله» چون «عبد» او است خدای عالم این مقام را به او داده. در
روایات متعدد هم هست:

« يا عبدي إني أنا الله إذا اردت شيئاً أن اقول له كن فيكون، فاطعني حق اطاعتي حتى اجعلك مثلي

وإذا اردت شيئاً أن تقول له كن فيكون»

یا روایت مفصلی که دارد:

«وَمَا يَتَقَرَّبُ إِلَيَّ عَبْدٌ مِنْ عِبَادِي بِشَيْءٍ أَحَبَّ إِلَيَّ مِمَّا افْتَرَضْتُ عَلَيْهِ وَ إِنَّهُ لَيَتَقَرَّبُ إِلَيَّ بِالنَّافِلَةِ حَتَّى
أُحِبَّهُ»

تا آنجا که می فرماید:

«فَإِذَا أَحْبَبْتَهُ كُنْتُ إِذَا سَمِعَهُ الَّذِي يَسْمَعُ بِهِ وَ بَصَرَهُ الَّذِي يُبْصِرُ بِهِ وَ لِسَانَهُ الَّذِي يَنْطِقُ بِهِ وَ يَدَهُ
الَّتِي يَبْطِشُ بِهَا إِنْ دَعَانِي أَجَبْتُهُ وَ إِنْ سَأَلَنِي أَعْطَيْتُهُ»

کافی (ط - دارالحدیث)؛ نویسنده: کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق (تاریخ وفات مؤلف: 329
ق)، محقق / مصحح: دارالحدیث، ناشر: دار الحدیث، قم، ق 1429، ج 2، ص 353، بَابُ مَنْ آذَى
الْمُسْلِمِينَ وَ اخْتَقَرَهُمْ، ح 8

یعنی تمام وجود او قلباً و قالباً الهی می شود، و هر چه که اراده می کند خدای عالم با آن اراده در عالم تکوین
تأثیر می گذارد.

خدا آیت الله «محسنی ملایری» را بیمارزد، ایشان از اولیاء الله و اوتاد بودند، ما افتخار داشتیم ده-دوازده
سال یا بیشتر در خدمت این بزرگوار بودیم.

ایشان نقل می کرد که مرحوم «نخودکی» در کنار حرم حضرت معصومه (سلام الله علیها) به مردی برخورد
کردند که گفت فرزندم «آمریکا» است، آنجا بیمار شده، و دکترها جوابش کرده اند. ایشان از جیبش یک
دانه انجیر در آورد و گفت این را به نیت شفای فرزندت بخور. او خورد و فرزندش شفا پیدا کرد.

از این قضایا از مرحوم «نخودکی» که از معاصرین ما است و قبل از انقلاب از دنیا رفتند، زیاد نقل شده. کتاب
«نشان از بی نشانی ها» در شرح حال ایشان نوشته شده.

رسد آدمی به جای که بجز خدا نبیند / بنگر که تا چه حد است مقام آدمیت!

بنده با بندگی و عبودیت خدا، به چه مدارجی که نمی رسد...

یکی از افتخارات بنده این بود که 12-13 سال خدمت مرحوم «سید عبدالکریم کشمیری» بودم. گاهی
خدمت ایشان که می رفتیم، کل گذشته و آینده ما را بیان می فرمود. که مثلاً شما در گذشته فلان کار را

کردید و این درست است و آن نادرست است. یا در آینده چنین مسائلی پیش می‌آید و ... انسان احساس می‌کند که ایشان در تمام این مراحل و مواقع دوشادوش آدم بوده است.

در زیارت عاشورا هم می‌خوانیم:

«وَأَسْأَلُهُ أَنْ يُبَلِّغَنِي الْمَقَامَ الْمُحْمُودَ لَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ»

از خدا می‌خواهم مرا به آن مقامی که شما پیش خدا دارید به آن مقام برساند.

المزار الكبير (لابن المشهدي)؛ نویسنده: ابن مشهدی، محمد بن جعفر، ناشر: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، محقق/ مصحح: قیومی اصفهانی، ص 177

پس حضرات معصومین علیهم السلام این مقام را دارند. در مقام توسل وقتی ما می‌گوییم:

«یا محمدُ یا علی یا علی یا محمد اکفیانی»

اگر کسی مثل آقای «عابدینی» که این مسائل را مسخره می‌کند، چون این معارف و معانی را متوجه نیست؛ یعنی درکش را ندارد.

حَتَمَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ وَعَلَى سَمْعِهِمْ وَعَلَى أَبْصَارِهِمْ غِشَاوَةً وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ

خدا بر دلها و گوشهای آنان مهر نهاده؛ و بر چشمهایشان پرده‌ای افکنده شده؛ و عذاب بزرگی در انتظار آنهاست.

سوره بقره (2): آیه 7

حال چه قضیه ای هست و چرا اینطور می‌شود، خدا می‌داند.

ثُمَّ كَانَ عَاقِبَةَ الَّذِينَ أَسَاءُوا السُّوْأَىٰ أَنْ كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَكَانُوا بِهَا يَسْتَهْزِئُونَ

سپس سرانجام کسانی که اعمال بد مرتکب شدند به جایی رسید که آیات خدا را تکذیب کردند و

آن را به مسخره گرفتند!

سوره روم (30): آیه 10

این فخره را در کتب فقهی و اصولی و ... که بزرگان دارند ، از زمان مرحوم «سید مرتضی» و ... آورده‌اند با سندهای معتبر .

اینطور نیست که می‌گوید فقط «شیخ عباس قمی» در «مفاتیح» این مطلب را آورده باشد، قبل از «شیخ عباس قمی» ،بیش از 40- 50 نفر از فقها و بزرگان ما مثل «شیخ طوسی» و «سید مرتضی»، «کفعمی» و دیگران ،همه دعای «الهی عظم البلاء» را به همین شکلی که ما الان داریم، آورده‌اند.

مضافاً در غیر دعای «الهی عظم البلاء» موارد زیادی داریم که چنین توسلاتی را بیان می‌کنند:

«یا محمد اِنی توسلت بک فاقض حاجتی»

حتی اهل سنت استغاثه به رسول اکرم را آورده اند. حال اگر یک آخوند شیعه یک سری مقدسات را به استهزاء می‌گیرد...

(يُضِلُّ مَنْ يَشَاءُ)

خداوند هر کس را بخواهد گمراه می‌کند.

سوره رعد (13): آیه 27

من از همه عزیزان تقاضا دارم این انحرافات را ببینند و مراقب باشند، مخصوصاً از بعضی از طلبه‌ها و اساتید ،به خدا پناه ببرید، که خدای نکرده به چنین روزی گرفتار نشوید، چون ما نمی‌دانیم:

نداند بجز ذات پروردگار/ که فردا چه بازی کند روزگار!

شما «باب» و «بهاء» و ... را ببینید، در «حوزه علمیه نجف» درس می‌خوانده، ولی به خاطر بعضی از گناهان و معاصی خدای عالم چنین اتفاقاتی را برای اینها پیش می‌آورد . همواره به خدای عالم از شر نفس پناه ببرید و این دعای مشهور:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ نَفْسِي وَ مِنْ شَرِّ قَضَاءِ السَّوِّءِ وَ مِنْ شَرِّ كُلِّ ذِي شَرٍّ وَ مِنْ شَرِّ الْجِنَّ وَ
الْإِنْسِ] وَ مِنْ شَرِّ كُلِّ دَابَّةٍ أَنْتَ آخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا»

را بخوانید. این افراد را که می بینید و یا در موردشان می شنوید ، اظهار خوشحالی نکنید، یا خدای نکرده
نگویید چرا چنین و چنان است و طعنه هم نزنید، اولاً جواب اینها را باید محکم داد و رسوایشان کرد، به
تعبیر امام صادق:

«یخزی و ییدی عوراتهم»

ولی مهم تر از همه اینکه به همه شما توصیه می کنم، وقتی اینطور انحرافات را می بینید به خدا پناه ببرید:

(إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ إِلَّا مَا رَحِمَ رَبِّي)

نفس (سرکش) بسیار به بدیها امر می کند؛ مگر آنچه را پروردگارم رحم کند!

سوره یوسف (12): آیه 53

اما ادامه کلام آقای خویی:

«الجهة الثانية: في ولايتهم التشريعية»

قبلاً بحث کردیم که مرحوم آیت الله العظمی «خوئی» در رابطه با ولایت تشریعی می فرماید :

«الجهة الثانية : في ولايتهم التشريعية، بمعنى كونهم وليا في التصرف على أموال الناس وأنفسهم

مستقلا ، فالظاهر أيضا لا خلاف في ولايتهم على هذا النحو»

بعد ایشان می گوید:

«وكونهم أولى بالتصرف في أموال الناس و رقابهم و بتطبيق زوجتهم و بيع أموالهم و غير ذلك من

التصرفات»

در اموال مردم اولی به تصرف هستند. نسبت به جان مردم حتی امام می‌تواند زن کسی را طلاق بدهد یا اموال او را بفروشد. اولی است.

به چه دلیل ؟

«النبي أولى بالمؤمنين من أنفسهم فإن الظاهر من الأولوية الأولوية في التصرف وكونهم وليا لهم في ذلك لا بمعنى آخر»

مصباح الفقاهة؛ نویسنده: السيد الخوئي (وفات : 1413)، تحقیق: جواد القيومي الأصفهاني

چاپخانه: العلمية - قم، ناشر: مكتبة الداوري - قم، ج 3، ص 284

ایشان در جلد 3، صفحه 279 می‌گویند امام این اختیار را از طرف خدای عالم دارد که زن کسی را طلاق بدهد و حتی آن زن را برای دیگری عقد کند، این اعتقاد ماست.

بزرگواران و فقهای ما که واقعاً یک عمر زندگی‌شان را در احادیث اهل‌بیت (علیهم السلام) گذرانده‌اند به این نتیجه رسیده‌اند. این فرمایش آقای «خویی» بود.

«امام رضوان الله تعالى عليه» اینجا غوغایی کرده اند:

«فهم من قبل الله ملاك التصرف في كل شئ وإن كانت الأموال لصاحبها و هذه ولاية عامة كلية بالنسبة إلى جميع الموجودات»

ائمه (علیهم السلام) از طرف خدای عالم مالک تصرف در تمام اشیاء هستند.

کتاب البیع؛ السيد الخميني (وفات : 1410)، ناشر: مؤسسة تنظيم ونشر آثار الامام الخميني، تهران:

1421، ج 3، ص 21

«امام» نکات خیلی ظریفی دارند.

من معتقد هستم در ارتباط با ائمه (علیهم السلام) در این 14 قرن، شاید کتابی مثل «مصباح الهدایة» نوشته نشده باشد.

بنده 90 درصد عمر 40-50 ساله حوزوی ام را در بحث‌های ولایت گذرانده ام اما قاطعانه عرض کنم، مثل این کتاب تا به حال ندیده ام که اینطور نسبت به مقام ائمه (علیهم السلام)، مستدل و زیبا بحث کرده باشد.

پرسش:

آیا ائمه (علیهم السلام) از اختیار خود در طلاق زوجه دیگری استفاده کرده اند ؟

پاسخ:

نیازی نیست که اتفاق افتاده باشد. حتی «ابن تیمیه» می‌گوید یک سری اختیاراتی که رسول اکرم داشته اند، اصلاً استفاده نکرده اند.

اینکه در تاریخ، پیغمبر از این اختیاراتشان استفاده کرده اند یا نه، ملاک نیست. وقتی ما دلیل داریم که پیغمبر چنین اختیاراتی دارد، برای ما حجت است.

عبارت «ابن تیمیه» این است:

«میزنا بین السنة والبدعة وبینا ان السنة هی ما قام الدلیل الشرعی علیه سواء فعله رسول الله أو فعل علی زمانه أو لم یفعله ولم یفعل علی زمانه لعدم المقتضی حیثئذ لفعله»

سنت آن است که دلیل شرعی بر آن داشته باشیم! اگر ما دلیل شرعی بر یک مسئله ای داریم، اینکه پیامبر انجام داده‌اند یا نداده‌اند، دیگر ملاک نیست. مقتضی وجود نداشته تا پیامبر عمل کنند (طبق آن اختیار).

کتاب و رسائل و فتاویٰ شیخ الإسلام ابن تیمیة؛ اسم المؤلف: أحمد عبد الحليم بن تيمية الحراني أبو العباس الوفاة: 728، دار النشر: مكتبة ابن تيمية، الطبعة: الثانية ، تحقيق: عبد الرحمن بن محمد بن قاسم العاصمي النجدي، ج 21، ص 317، 318

می‌گویند فلان کار را پیغمبر انجام نداده است. مثلاً برای شهدای «احد» عزاداری نکردند، مراسم نگرفتند، پیغمبر با تسبیح ذکر نگفته اند و لذا اگر کسی انجام دهد، بدعت و حرام است. این کلام «ابن تیمیه» پاسخ محکمی به اینهاست .

پرسش:

خدا قدرت و اختیارات وسیع را به معصومین داده است و آنها سوء استفاده نکرده و نخواهند کرد.

پاسخ:

قطعاً:

(وَمَا تَشَاءُونَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا)

و شما هیچ چیز را نمی‌خواهید مگر اینکه خدا بخواهد، خداوند دانا و حکیم بوده و هست!

سوره انسان (76): آیه 30

خدا به هر کس این اختیار را نمی‌دهد. آن کسی که سوء استفاده می‌کند خدا به او این قدرت را نمی‌دهد. در باب سوء عمل و استفاده نادرست ، خدا حجت را تمام کرده:

(وَلَوْ شِئْنَا لَرَفَعْنَاهُ بِهَا وَلَكِنَّهُ أَخْلَدَ إِلَى الْأَرْضِ وَاتَّبَعَ هَوَاهُ فَمَثَلُهُ كَمَثَلِ الْكَلْبِ إِنْ تَحْمِلَ عَلَيْهِ يَلْهَثُ أَوْ تَتْرَكُهُ يَلْهَثُ ذَلِكَ مَثَلُ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا فَاقْصِصْ الْقِصَصَ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ)

و اگر می‌خواستیم، (مقام) او را با این آیات (و علوم و دانشها) بالا می‌بردیم؛ (اما اجبار، بر خلاف سنت ماست؛ پس او را به حال خود رها کردیم) و او به پستی گرایید، و از هوای نفس پیروی کرد!

مثل او همچون سگ (هار) است که اگر به او حمله کنی، دهانش را باز، و زبانش را برون می‌آورد، و اگر او را به حال خود واگذاری، باز همین کار را می‌کند؛ (گویی چنان تشنه دنیاپرستی است که هرگز سیراب نمی‌شود!) (این مثل گروهی است که آیات ما را تکذیب کردند؛ این داستانها را (برای آنها) بازگو کن، شاید بیندیشند (و بیدار شوند)!

سوره اعراف (7): آیه 176

مشخص است که «بلعم باعورا» به یک مقاماتی رسیده بود؛ ولی از مقامات و اختیاراتش سوءاستفاده کرد. خدا نه تنها این مقام را از او گرفت بلکه چنان به زمین زد که ضرب المثلی برای تاریخ شد. **(فَمَثَلُهُ كَمَثَلِ الْكَلْبِ إِنْ تَحْمِلْ عَلَيْهِ يَلْهَثُ أَوْ تَتْرُكْهُ يَلْهَثُ)**

ولی ائمه (علیهم السلام) معصوم هستند:

(إِنَّمَا يَرِيذُ اللَّهُ لِيَذْهَبَ عَنْكُمُ الرِّجْسُ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا)

خداوند فقط می‌خواهد پلیدی و گناه را از شما اهل بیت دور کند و کاملاً شما را پاک سازد.

سوره احزاب (33): آیه 33

خدا ان شاء الله بر همه شما توفیقات عنایت بفرماید، موفق و مؤید باشید ان شاء الله ما را از دعای خیرتان فراموش نفرماید التماس دعا خدا حافظ همه عزیزان تا دیدار آینده همه را به خدای عالم می‌سپارم.

«والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته»